

روز گذشته تعطیلی چندساعته پمپ‌بنزین‌های کشور اتفاقی بود که می‌توانست در آستانه سالگرد آبان ۹۸ بار دیگر سبب ایجاد نارضایتی و اعتراض‌های عمومی شود. ماجرای دیروز آنگونه که رسانه‌های رسمی و دولتی اعلام کردند، از این قرار بوده است که سامانه‌های کارت سوخت ایران مورد حمله سایبری قرار می‌گیرد واین حمله باعث می‌شود برای چند ساعتی عرضه سوخت در کشور متوقف و صف‌های طولیل پشت پمپ‌بنزین‌ها تشکیل شود.همزمان بااین اتفاق برخی رسانه‌های معاند سعی می‌کنند این خط‌فکری را به مردم القا کنند که دولت در تامین سوخت ناتوان است و قصد گران کردن قیمت حامل‌های انرژی را دارد تا با ایجاد نارضایتی عمومی مردم را به خیابان‌ها بکشاند.

حمله سایبری دیروز و نشانه گرفتن سرمایه اجتماعی مردم می‌تواند بخشی از برنامه طراحی‌شده توسط کشورهای غربی برای فشار آوردن به ایران در آستانه مذاکرات هسته‌ای پیش‌رو باشد. سرعت پیشرفت هسته‌ای و تقویت موضع داخلی و خارجی ایران طی ماه‌های گذشته اتفاقی نیست که مورد مطلوب آمریکا و متحدان اروپایی‌اش باشد، به همین دلیل آنها تمام تلاش خود را خواهند کرد با این بین بردن سرمایه اجتماعی دولت مستقر در ایران و همچنین ایجاد اخلال در فعالیت‌های هسته‌ای، ایران را به‌موضع ضعف بکشانند تا امتیازات بیشتری از جمهوری اسلامی در مذاکرات بگیرند. در ادامه گزارش امروز «فرهیختگان» ابتدا به تحلیل موضع کنونی ایران وسایر کشورهای غربی در مذاکرات پیش‌رو پرداخته و سپس برنامه کشورهای غربی برای خلع سلاح کردن جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات هسته‌ای را بررسی کرده‌ایم.

مذاکره با ایران تنها پلن کشورهای غربی است

رابرت مالی، مسئول پرونده ایران در وزارت امور خارجه آمریکا دوشنبه شب در گفت‌وگویی

سیدمحمد مزندی، کارشناس مسائل بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ایران شتاب‌زده به سمت مذاکره نمی‌رود

با اینکه به دنبال اقدام عملی مثل رفع برخی تحریم‌ها یا آزادسازی منابع بلوکه‌شده است؟

پیشرفت‌های هسته‌ای ایران کاملاً مشروع است. ایران هیچ‌یک از قوانین آژانس و ان پی تی را زیر پا نگذاشته است. اگر ایران می‌خواست بمب اتمی بسازد سال‌ها پیش این کار را می‌کرد. ما خودمان این مسیر را انتخاب نکرده‌ایم. همین که در حوزه هسته‌ای توسعه پیدا می‌کنیم وضعیت برای طرفین غربی پیچیده‌تر می‌شود. ایران بنا ندارد بمب داشته باشد ولی حرکت به سمت پیشرفت تکنولوژی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز و به‌عنوان اهرم فشار دنبال می‌کند.

روز گذشته شاهد حمله سایبری به سامانه‌های کارت سوخت در ایران و اخلال در فعالیت عادی جایگاه‌های سوخت بودیم. در چندماه گذشته نیز شاهد حملاتی مشابه در مراکز هسته‌ای و صنعتی کشور مانند مجتمع تسلی کرچ بود‌ایم. آیا اقدامات اینچنینی می‌توانند پلن بی غربی‌ها در مواجهه‌شان با ایران باشد؟ و اتخاذ چنین رویکردی اساساً می‌تواند ابزاری کارآمدی برای ایجاد فشار علیه ایران باشد؟

پلن بی یک ابزار واقعی نیست. آمریکایی‌ها با فضاحت از افغانستان خارج شدند و ناچار به ترک عراق و سوریه نیز خواهند شد؛ چراکه هزینه‌های جنگ‌های ۲۰ سال گذشته کمر آنها را خم کرده است. آمریکا الان اصلاً در شرایطی نیست که بخواهد وارد درگیری نظامی با ایران شود.به‌خصوص وقتی چنین به‌عنوان رقیب اقتصادی آمریکا با سرعت بالا به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. آمریکا باید هزینه‌های خود را کاهش داده و سرعت پیشرفت خودش را افزایش دهد؛ اتفاقی که تا تنش نه‌تنها محقق نمی‌شود بلکه منجر به افزایش سرعت سقوط رشد اقتصادی‌اش نیز خواهد شد. بنابراین پلن بی یک تهدید کاملاً توخالی خواهد بود.

ازسوی دیگر رژیم صهیونیستی هم ظرفیتی برای آسیب‌زدن به ایران ندارد. حمله به تأسیسات هسته‌ای درست است که یک ضربه به ایران محسوب می‌شود اما ایران دانش و صنعت گسترده هسته‌ای را در اختیار دارد و این اقدامات صرفاً بهانه‌ای به ایران برای ضربات سنگین متقابل را خواهد داد. بنابراین رژیم کوچک و آسیب‌پذیر صهیونیستی که در برابر غره به‌سختی قادر به جنگ متقابل است و هر نوع تنش نظامی به زیانش تمام می‌شود نباید با چنین حماقتی بهانه به دست ایران بدهد. هر ضربه‌ای که رژیم صهیونیستی بخواهد به ایران وارد کند متقابلاً با پاسخ سخت‌تری مواجه می‌شود، همان‌طور که شاید حمله به پایگاه آمریکایی در سوریه توسط جبهه مقاومت بودیم و آمریکانیز در این حمله حتی قادر به سرتیون کردن یکی از پهبادها نبود. بنابراین رژیم صهیونیستی و آمریکا در جایگاهی نیستند که بتوانند پلن بی ادعایی خود را عملیاتی کنند و بازنده اجرای آن نباشند.

سیاست

آیا ماجرای اخلال روز گذشته در توزیع بنزین را می‌توان در راستای پروژه غرب

برای کاهش سرمایه اجتماعی در ایران تحلیل کرد؟

پاتک به امید

باخبرنگاران ضمن ابراز نگرانی از رشد فعالیت‌های هسته‌ای ایران مدعی شد «آمریکا و

شرکایش در اروپا در حال آماده‌شدن برای زندگی بدون توافق هسته‌ای با ایران هستند.» مالی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از رویه ایران در آغاز مذاکرات هسته‌ای اظهار داشت : «ایران به میز مذاکره بازنگشته است و آنها آماده نیستند تا درخصوص چگونگی پایبندی دوجانبه به‌برجام صحبت کنند.»

سخنان دوشنبه مسئول پرونده ایران در وزارت امور خارجه آمریکا اتفاق تازه و نگران‌کننده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران نیست. درواقع طی این سال‌ها با خروج آمریکا از برجام و ابتدهدی سایر طرف‌های غربی حاضر در این معاهده، عملاً برجام امتیاز اقتصادی و امنیتی خاصی برای ایران نداشته است. بنابراین سال‌ها قبل‌تر از سخنان دوشنبه‌شب مالی، زندگی بدون برجام برای ایران آغاز شده است. همچنین اگرچه مالی در سخنان خود مدعی شده است پنجره احیای برجام برای ایران تا ابد باز نمی‌ماند، اما به‌نظر می‌رسد آمریکا و متحدانش پلنی جز مذاکره با ایران در شرایط فعلی ندارند. بنابراین مساله اصلی برای غربی‌ها مذاکره با عدم مذاکره با ایران نیست،

ایران و غرب در آستانه آغاز مجدد مذاکرات هسته‌ای قرار دارند، آنطور که از اخبار وشواهد پیداست مذاکرات معاون وزیر خارجه ایران در بروکسل مقدمات مذاکرات وین است. آمریکایی‌ها اما سعی می‌کنند با فضا سازی موضع تهران در شروع مذاکرات را تضعیف کنندند. اظهارات اخیر رابرت مالی نماینده ویژه آمریکادر امور ایران دقیقاً با این هدف منتشر شده و حالا در طراحی‌های خرابکارانه مثل اخلال در توزیع بنزین هم دست کارگردان پیدا است. در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، کارشناس مسائل بین‌الملل که در دولت روحانی همکار ظرفیف بود، آخرین تحولات را بررسی کردیم.

۱۱۱

برای شروع می‌خواهم از شما درباره نسبت برخی اتفاقات مثل اخلال بنزینی در ایران و خرابکاری‌ها در برخی مراکز حساس با تلاش آمریکایی‌ها برای شروع مذاکرات درحالی که تهران با مشکلاتی روبه‌رواست، سوال کنم. بین این مسائل چه ارتباطی وجود دارد؟

من فکر می‌کنم این دولت آمریکا یعنی دولت بایدن به درستی به این جمع‌بندی و نتیجه‌رسیده است که فشارهای بی‌هدف به ایران، تهدید و ترور مقامات ایرانی نتیجه عکس دارد و این چهار سال دولت ترامپ به‌خوبی نشان دهنده این بود که این روش‌ها نه‌تنها باعث نمی‌شود که موضع ایران ملایم‌تر شود، بلکه اتفاقاً باعث واکنش‌هایی می‌شود که راه‌دهیپلماسی را بیشتر از قبل مسدود می‌کند. بنابراین من اطلاعاتی ندارم و صرفاً می‌توانیم گمانه‌زنی کنیم؛ در این گمانه‌زنی‌ها من گمان نمی‌کنم که دولت بایدن به‌طور مستقیم خودش را درگیر چنین موضوعات و تهدیداتی کند. اما در این باره باطمینان می‌توانیم صحبت کنیم که رژیم صهیونیستی هست که بیشترین منافع را در انجام این نوع خرابکاری‌ها دارد. هرچقدر که احتمال نشستن ایران و آمریکا دور یک‌میز و رسیدن به یک توافق بیشتر شود، به همان میزان هم‌راس رژیم صهیونیستی از آینده بیشتر خواهد شد.به همان مقدار تلاش خواهد کرد تا به‌صورت‌های مختلف و با عملیات‌های خرابکارانه سوءتفاهم‌ها را تاجایی برساند که این مسیر دیپلماتیک را متوقف کند یا به آن آسیب بزند. امروز هم که از سرگیری گفت‌وگو‌ها بین ایران و ۴+۱ و ایالات متحده به‌طور غیرمستقیم نزدیک است، به‌نظر می‌رسد که انگیزه‌های رژیم صهیونیستی برای خرابکاری بیشتر شده است. بنابراین من فکر می‌کنم اگر بخواهیم برای این اتفاقات اخیری که شما نام بردید، یک مقصر معرفی کنیم حتماً رژیم صهیونیستی خواهد بود. و برای اینکه متوجه شویم آمریکا با اروپا در این اقدامات دست داشته‌اند یا نداشته‌اند، باید به اطلاعات بیشتری دسترسی پیدا کنیم.

چندروز گذشته رابرت مالی مدعی شده بود که آمریکا و شرکایش در اروپا در حال آماده شدن برای زندگی بدون توافق هسته‌ای با ایران هستند. با توجه به اینکه باقری کنی هم برای مذاکرات به بروکسل رفته، به نظر تان این طرز صحبت مالی یک جور تهدید برای فشار آوردن به ایران جهت پذیرفتن همه شرایط طرف آمریکایی و غربی در مذاکرات نیست؟ و اینکه این نوع صحبت کردن را از چه موضعی می‌بینید؟

علی‌رغم دیدارهایی که بین طرف‌های اروپایی و انریکه مورا با آقای باقری صورت گرفته و صحبت‌ها و مواضعی که تا به امروز، از طرف

مساله این است که در مذاکرات هسته‌ای قرار است طرفین با چه آورده‌ای حاضر شوند. درحال حاضر با بررسی تمامی جوانب می‌توان گفت ایران نسبت به طرف‌های غربی دست پرتری در مذاکرات احتمالی پیش‌رو دارد. در تایید این گزاره همان‌طور که پیش‌تر نیز (۲۶ مهرماه) در گزارشی با عنوان پلن بی لاف بزرگ غربی‌ها بررسی کردیم، گزینه‌های دیگر آمریکا و متحدان اروپایی‌اش برای امتیازگیری از ایران مانند تهدید نظامی و تحریم اقتصادی در شرایط کنونی فاقد کارایی لازم است. علاوه‌بر گزارش ۲۶ مهرماه «فرهیختگان»، چند روز قبل نشریه اکونومیست نیز در متنی تحلیلی به بررسی اثرات تحریم‌های آمریکا بر تعاملات میان این کشور و ایران پرداخت. بنابر گزارش اکونومیست، سیاست موسوم به «فشار حداکثری» علیه ایران شکست خورده و اکنون جمهوری اسلامی ایران است که آمریکا را تحت فشار حداکثری خود قرار داده است، زیرا برخلاف برنامه‌ریزی‌های دولت‌های ترامپ و بایدن، اقتصاد ایران پس از تحریم‌های آمریکا نه‌تنها دچار فروپاشی نشده است، بلکه اوضاع آن مطابق گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال‌های آتی روبه بهبود نیز است.

ایران متوقف نخواهد شد

در ۹ ماه گذشته به‌جز از کارافتادن ابزار تهدید و تحریم، سرعت بالای پیشرفت هسته‌ای ایران بعد از اجرایی شدن قانون مجلس یازدهم موسوم به قانون راهبردی لغو تحریم‌ها نیز موضع ایران را در برابر کشورهای غربی تقویت کرده است. بر همین اساس آمریکا و رژیم صهیونیستی طی ۹ ماه گذشته حداکثر تلاش خود را کردند تا سرعت پیشرفت هسته‌ای ایران را متوقف کنند. برخی منابع می‌گویند آنها برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و حتی چندین نوبت تأسیسات هسته‌ای کشورمان را مورد حمله حملات سایبری و پهپادی خود قرار دادند که آخرین مورد آن به تیرماه امسال و حمله پهپادی به مجتمع هسته‌ای تسای کرج بازمی‌گردد، اما با وجود این حملات میزان ذخایر اورانیوم ۲۰ درصد غنی‌سازی شده ایران از مرز ۱۲۰ کیلوگرم گذشت و تولید سانتریفیوژهای نسل جدید مانند قبل ادامه پیدا کرد. از طرفی بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم، با افزایش سرعت واکنسناسیون عمومی و بازگشت ثبات نسبی به اقتصاد، میزان رضایت عمومی از دولت تا حد خوبی افزایش یافته است، به‌نحوی که بنابر نظرسنجی اخیر موسسه گالوپ ۷۲ درصد از نمونه‌های ایرانی شرکت‌کننده در نظرسنجی این موسسه از عملکرد آیت‌الله رئیسی ابزار رضایت کرده‌اند. رضایت مردم از عملکرد دولت می‌تواند مهم‌ترین برگ برنده دولت سیزدهم در مذاکرات هسته‌ای باشد. برگ برنده‌ای که از بین بردن آن هدف اصلی تمام برنامه‌های خصمانه آمریکا علیه ایران طی این سال‌ها از جمله اتفاقات روز گذشته و هک‌شدن سامانه‌های کارت سوخت بوده است، زیرا ایران بدون سرمایه اجتماعی به‌شدت آسیب‌پذیر خواهد بود، حتی اگر فرض کنیم به‌لحاظ پیشرفت نظامی و تکنولوژی در بالاترین سطح ممکن باشد.

دیاکو حسینی با اشاره به فضا سازی آمریکایی‌ها برای اعمال فشار به ایران مطرح کرد

پلن B دولت آمریکا بی اعتبار شده است

گفت‌وگوهای بروکسل این خطر را به وجود می‌آورد و این ظرفیت را هم دارد که نگرانی‌هایی را در مسکو و پکن ایجاد کند. بنابراین تصور می‌شود که گفت‌وگوی‌های بروکسل، هماهنگ‌کننده برجام خواهد بود ولی در حقیقت، ما باید تلاش کنیم این گفت‌وگو‌ها را در چارچوب همان ۴+۱ که تا به امروز در وین پیش رفته است، دنبال کنیم. اگر می‌خواهیم زودتر به نتیجه برسیم و از ابعاد جدید اختلافات با ایران، چه در اروپا چه در آمریکا، روسیه و چین جلوگیری کنیم، لازم است کار را به سرعت و در همان قالب ادامه دهیم.

هفته‌های گذشته مقامات آمریکایی مدعی شدند که پلن بی داریم ولی نمی‌خواهیم به پلن بی فکر کنیم. بعد الان مالی می‌گوید که ما به دنبال گسترش روابط دیپلماتیک با ایران هستیم، به نظر تان بین صحبت‌هایشان تناقض وجود ندارد، با توجه به اینکه آن زمان می‌گفتند پلن بی وجود دارد نمی‌خواهیم به آن فکر کنیم و الان می‌بینم هیچ پلن بی‌ای در کار نیست؟ زمانی که دولت‌های آمریکا از پلن بی حرف می‌زدند، مقصودشان اعمال فشارهای حداکثری تحریم‌ها بر ایران بود یا آغاز جنگ. امروز هر دوی این ابزارها اعتبارشان را از دست داده‌اند. جنگ عملاً برای آمریکایی که به زحمت توانست نیروهای خودش را از افغانستان بیرون بکشد و قبل از آن از عراق خودش را خلاص کند، طبیعتاً گزینه معتبری محسوب نمی‌شود. به‌خصوص اینکه دولت‌های آمریکا از زمان ترامپ و همین امروز دولت بایدن، توجه‌شان به سمت چین است و این واقعیت را تشخیص دادند که منافع حیاتی‌ای در منطقه خلیج فارس و موسوم به خاورمیانه ندارد. گزینه تحریم‌های حداکثری هم در دوران ترامپ آزمایش شد و به گفته خود مقامات فعلی دولت آمریکا شکست خورد. بنابراین هیچ پلن بی جز دیپلماسی و ادامه مسیر احیای برجام وجود ندارد و اینها بلوف‌هایی است که صرفاً به واسطه عادت و تکرار آن را دوباره بر زبان می‌آورند. بنابراین من فکر می‌کنم مقامات آمریکایی در تلاش برای احیای برجام هستند و در زبان هم همیشه گفته‌اند که آماده انجام این کار هستند. البته درمورد احیای برجام طبیعی است که ایران انتظاراتی دارد که به واسطه بدهدیی آمریکا ایجاد شده است. به‌طوری که اگر آمریکا واقعا اراده دارد که به برجام برگردد باید این انتظارات و اطمینان‌های از دست رفته ایران را تامین کند و به ایران بازگرداند. از این طریق، توافقی را که تنها راه دیپلماتیک موثر برای همه طرف‌هاست را پیگیری کند.

ایران در مقابل این تهدیدات و فشارهای طرف غربی و آمریکایی که به گفته خود تان بیشتر لفاظی هستند تا عملی، چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

وارد شدن ایران در لفاظی‌های متقابل سودمند نیست، چون هیچ کمکی به شفاف‌شدن راهی که این کشور‌ها ما داریم، نمی‌کند. اگر ایران وارد این لفاظی‌ها شود، صرفاً می‌تواند مصرف داخلی برای آمریکا داشته باشد یا مجادلات لفظی ایجاد کند. بنابراین بهتر است به‌جای افتادن در دام لفاظی‌های متقابل، متوجه‌متمرکز اصل موضوع یعنی نحوه از سرگیری گفت‌وگو‌ها و به نتیجه‌رساندن آن به‌نحوی که منافع مردم ایران را تامین کند، باشیم. این امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آنکه در میز مذاکره معلوم شود که به چه شکلی می‌شود این کار را انجام داد و اساساً احیای برجام انجام‌شدنی است یا خیر.

علیرضا کوهکن، تحلیلگر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ایالات متحده و شرکایش چیز خاصی برای تهدید ایران ندارند

جدید یا بررسی مسائل جدیدی نمی‌پردازد و همزمان شدنش با مذاکراتی که ما در بروکسل انجام می‌دهیم، که البته آمریکایی‌ها گفتند ما این مذاکرات را جایگزین وین نمی‌دانیم اما به‌هر حال مذاکراتی است که ما با طرف اروپایی انجام می‌دهیم، راجع به نحوه بازگشت به مذاکرات مربوط به برجام و انتظاراتی که ما از این مذاکرات داریم، است. به‌نظر آمریکا از این صحبت می‌کند که اگر آن مواردی که مدنظر من هست اتفاق نیفتد، دولت ایالات متحده از برجام صرف‌نظر خواهد کرد و از بازگشت به برجام منصرف خواهد شد. به‌هر حال این نکته، نکته مهمی است که درواقع آن پلن بی که آمریکایی‌ها از آن صحبت می‌کردند و در صحبت رابرت مالی هم هست، چیز جدیدی برای ایران ندارد چون همان‌طور که

خطر است که ما داریم زمان مذاکره را از دست می‌دهیم و ممکن است بحث مذاکرات برای بازگشت به برجام را کنار بگذاریم. این‌که جمله‌ای که ششما فرمودید هم همین معنی را می‌دهد. اینکه گفتند آمریکا و شرکای اروپایی و منطقه‌ای برای زندگی بدون برجام خودشان را آماده می‌کنند، درواقع همان پلن بی یا نقشه دوم است که هفته گذشته هم آمریکا درباره‌اش صحبت می‌کرد. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که درواقع مگر الان برجامی وجود دارد که برای زندگی بدون برجام آماده شوند؟ و آن چیزی که اتفاق می‌افتد این است که وقتی توافق هسته‌ای وجود نداشته باشد، محدودیت‌های ایران هم حذف می‌شود و برای ایران اتفاق تازه‌ای نمی‌افتد. این تهدیدی که رابرت مالی بیان می‌کند به‌موضوع

نرگس چهرقانی

روزنامهنگار

پیرامون سخنان برجامی دوشنبه‌شب رابرت مالی، مسئول پرونده ایران در وزارت امور خارجه آمریکا با علیرضا کوهکن، کارشناس و تحلیل‌گر روابط بین الملل به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. متن این گفت‌وگو در ادامه از نظر شما می‌گذرد.

۱۱۱

چندروز گذشته رابرت مالی مدعی شده بود آمریکا و شرکایش در اروپا در حال آماده شدن برای زندگی بدون توافق هسته‌ای با ایران هستند. با توجه به اینکه باقری کنی هم برای مذاکرات به بروکسل رفته، به نظر تان این طرز صحبت مالی یک جور تهدید برای فشار آوردن به ایران جهت پذیرفتن همه شرایط طرف آمریکایی و غربی در مذاکرات نیست؟ و اینکه این نوع صحبت کردن را از چه موضعی می‌بینید؟

به‌نظر می‌رسد صحبت‌هایی که رابرت مالی می‌کند یک جور اعلام